

عوامل کسب برکت در زندگی

زهرا کریمی^۱

چکیده

در این نوشتار تصمیم داریم به عوامل کسب برکت در زندگی اشاره کنیم و اینکه چه چیزهایی باعث از بین رفتن برکت و رزق و روزی می شود.

عواملی از قبیل: حسن خلق . طهارت. استغفار. تلاوت کردن قرآن در خانه و ... که موجب نزول برکات می شوند و عواملی که موجب بی برکتی می شوند مانند گناه . حق الناس و... که شرح و بسط آن در ادامه خواهد آمد

برکت تنها از جانب خداست و اوست که به هر کس بخواهد روزی می دهد .

برکت در گرو اطاعت از خدا و توکل به اوست چرا که در قرآن می فرماید : **وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** **وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ** / و او را از جائی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند.

و من الله التوفيق

^۱ زهرا کریمی پای ه دو سطح دو حوزه ی صدیقه فاطمه (سلام الله علیها) درس منبع ی ایی استاد گزینی ن سال 98

مقدمه

امروزه مردم در زندگی با مشکلات عدیده ای از نظر اقتصادی ، اجتماعی و ... دست و پنجه نرم می کنند و تمام تلاش خود را میکنند که این مشکلات را حل کنند ولی به نتیجه ای نمی رسند و سوالاتی از این قبیل در ذهنشان شکل میگیرد که :

نمیدونم اشکال کارم از کجاست ؟

چراچند وقتی هرچی درآمد کسب میکنم صرف دوا و دکتر میشه؟

همیشه تو زندگی سعی کردم حلال و حروم رو رعایت کنم و به کمترین میزان حق خودم راضی بودم تا دینی از مردم به گردن من نیاد ولی این خرج هایی که صرف دوا و دکتر میکنم منو مشکوک کرده که مال حرامی تو زندگیم هست؟

چیکار کنم؟

چطوری میتونم اگر بر فرض حقی از مردم به گردن من هست رو جبران کنم؟

برای پاسخ به سؤالات بهتر است ابتدا مطالبی کلی در باره ی رزق و روزی -که دانستن آن ضرورت دارد- را بعرض برسانیم؛ سپس به ذکر عوامل برکت زا و همچنین علل بی برکتی در مال اشاره کنیم.

عوامل برکت زا-عوامل برکت زدا-افزایش رزق-علل بی برکتی

برکت به معنای پایداری خیر الهی در چیزی و رشد و افزایش آن، درخواستی است که هر انسان مومن از خدا دارد. بارها یکی از دعاهایی که در حق شما شده و یا شما در حق دیگری کرده اید، این بوده است: خدا به زندگی شما برکت دهد!، خدا در مالت برکت دهد! خدایا در زندگی و مالم برکت ده! اما این که چگونه می توان به زندگی و چیزی برکت داد، مساله ای است که هر مومنی دوست دارد تا علل و عوامل آن را بشناسد؛ زیرا می داند برکت به معنای پایداری خیر و رشد و بهره گیری بهینه و از آن است. در مطلب پیش رو نخست به مفهوم شناسی برکت و سپس به عوامل مختلف برکت زایی در زندگی می پردازیم. مفهوم شناسی برکت

واژه «برکت» از ریشه «برک» به معنای ثبات و دوام است، از این رو، خیر و خوبی فراوان و بادوام، برکت نامیده می شود. ابن فارس، در این باره آورده است: «الْبَاءُ وَالرَّاءُ وَالْكَافُ أَصْلٌ وَاحِدٌ، وَهُوَ ثَبَاتُ الشَّيْءِ، ثُمَّ يَتَفَرَّعُ فُرُوعًا يُقَارِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا؛ بَاءٌ وَرَاءٌ وَكَافٌ، يَكُونُ مَعْنَى أَصْلِي دَارِدًا وَآنْ ثَبَاتٌ دَاخِلٌ فِي شَيْءٍ، سَبَبٌ، مَعْنَى دِيْغَرِي - كِه بَه هِم نَزْدِيْكَنْد - اَز اَن بَرگَرَفْتَه شَدَه اَسْت ۱» خیر (خوبی)، اگر با دو ویژگی همراه باشد، برکت نامیده می شود: یکی، کثرت و فراوانی؛ و دیگری، ثبات و دوام، برای مثال، نسل بابرکت، به معنای کثرت و دوام فرزندان نیک سیرت است، یا عمر بابرکت، زندگی همراه با خیر فراوانی است که آثار آن، پایدار می ماند.

کلمه «برکت»، در قرآن و حدیث، دقیقاً در همان معنای لغوی، یعنی خیر فراوان و بادوام به کار رفته است، در قرآن، این کلمه و مشتقات آن، سی و سه بار در باره آفریدگار جهان، قرآن، فرشتگان، انبیا، انسان، آسمان، زمین، کعبه، آب باران و... به کار رفته است، مفسران برکت را به معنای خیر نافع و امری غیر محسوس و اعم از مادی و معنوی می دانند و بین آن و نظام جاری اسباب و مسببات منافاتی نمی بینند، چنان که معتقدند برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است.^۲

عوامل ایجاد برکت

انسان برای اینکه به برکت دست یابد، می بایست علل و عوامل آن را شناسایی کند، البته برای ایجاد و نیز حفظ برکت در چیزی شناخت موانع نیز ضروری است؛ زیرا علت تام، زمانی شکل می گیرد که مقتضی موجود و موانع مفقود باشد. پس اگر مقتضی شناسایی و ایجاد شود ولی موانع ناشناخته بماند یا برطرف نشود، برکتی ایجاد نخواهد شد و حفظ و صیانت نمی شود. بنابراین شناخت اسباب و عوامل ایجاد و

¹ احمد، قزوینی، فی الرازی، مقالی فی س اللغة، ج ۱، نشر دارالفکر، بی جا، ۱۳۹۹ق، ص ۲۲۷، ماده برک

² المیزان، ج ۷، ص ۲۸۰-۲۸۲

موانع آن لازم و ضروری است چنان که تحقق بخشیدن به عوامل و برطرف کردن موانع ضرورت دارد . نکته‌ای که نباید در مساله برکت آن را نادیده گرفت، نقش اسباب معنوی و مادی در کنار هم است. در آموزه‌های اسلامی این معنا بارها مورد تاکید قرار گرفته است که جهان مادی و دنیا، دارالاسباب است . حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسبابها؛ سنت خداوند بر آن است که افعال و اشیاء را به وسیله اسبابشان به جریان بیندازد. ۱ امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسباب، فجعل لكل شیء سبباً؛ خداوند ابا دارد از اینکه امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد، پس برای هر چیزی سببی قرار داده است. ۲. این بدان معناست که خداوند هر چیزی را از طریق اسباب آن تحقق می‌بخشد. پس انسان ها باید این اسباب را بشناسند و آن را به کار گیرند. البته دعا نیز همانند دیگر اسباب الهی است. با این تفاوت که دعا، سببی جامع است که همه امور را در بر می‌گیرد، در حالی که دیگر اسباب مادی از چنین جامعیتی برخوردار نیستند، بلکه می‌بایست برای هر چیزی سبب مناسب آن را شناخت و به کار گرفت. در اینجا به مهم‌ترین و اصلی‌ترین علل و عوامل مادی و معنوی ایجاد برکت اشاره می‌شود.

۱- باور کنیم که روزی رسان خدا است: «ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین»؛ خدا روزی رسان است و اوست دارنده ی نیرویی سخت استوار. ۳ دانستن اینکه خداوند روزی رسان است، با «باور» این مطلب، تفاوتی بسیار دارد و در اثر امتحانات مختلف معلوم می‌شود، چه کسانی اهل یقین هستند.

«ان ربك يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر انه كان بعباده خبيراً بصيراً»؛ پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد؛ زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است. ۴

۲- معیار، برای طلب روزی:

امام حسن (علیه السلام) فرمود: «در طلب روزی ، مانند کسی که برای چیره شدن (بر دشمن) پیکار می‌کند، کوشش مکن و به تقدیر نیز چندان تکیه مکن که از کار و کوشش دست کشی؛ زیرا در جستجوی فضل و روزی خدا برآمدن، از سنت است و پویندن راه اعتدال در طلب روزی، از عفت است. نه عفت،

¹ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰، باب ۱۴، حدیث ۱۴ و ۱۵

² میزان الحکمه، ح ۸۱۶۶، ج ۳، ص ۱۲۳۱

³ سوره ی الذاریات، ۵۸

⁴ سوره الاسراء، ۳۰

روزی را از انسان دور می کند و نه حرص، روزی زیاد می آورد؛ چه، روزی قسمت شده است و حرص زدن موجب افتادن در ورطه ی گناهان می شود.»^۱

لذا از طرفی نیازی نیست همه ی هم و غم و فکر خود را صرف بدست آوردن روزی کنیم؛ زیرا میزان روزی ما، (به شرط کار و تلاش در حد لازم) مقدر شده است؛ از طرف دیگر نیز، نباید بدلیل اعتقاد به مقدر شدن روزی، کار و تلاش را ترک کنیم؛ زیرا یکی از سنت های الهی و شرط در روزی، کار و تلاش است.

۳- فرق روزی با حقوق

یک نکته که باید جدا به آن توجه کنیم آن است که بدانیم روزی با حقوق و درآمد عادی که با کسب و کار بدست می آوریم تفاوت دارد. حقوق دادن مستند به بندگان است ولی روزی مستند به خداوند است. حقوق و دست مزد ها مشخص است، ولی خدای متعال گاهی از جایی روزی انسان را می دهد که قابل محاسبه نیست. ممکن است روزی از طریق برکت در مال و عمر باشد. شما حساب کنید یک کارمند چقدر حقوق می گیرد و اگر بخواهد با حقوق خود خانه ای تهیه کند چقدر طول می کشد، مطابق این حساب نباید کارمندان خانه داشته باشند، در حالتی که اکثر مردم و کارمندان و حتی کارگران خانه دارند و یا موفق به خانه خریدن می شوند، خانه دار شدن افراد در اکثر موارد مستند به روزی خداوند است نه حقوق و مزایای محدود کارمندی و کارگری.

نکاتی در باره ی برکت در مال:

۱- داشتن ایمان و تقوا

یکی از عوامل مهم برکت را در زندگی، داشتن ایمان و کسب تقوا می باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛ اگر مردم قریه ها ایمان آورده و پرهیزکاری پیشه کرده بودند، برکت های آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم»^۲

از مهمترین عوامل برکت در رزق و روزی، داشتن ایمان و تقوا (عمل به واجبات و ترک محرمات) است. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «خدای عز و جل به یکی از پیامبران خود وحی فرمود که: هر گاه اطاعت شوم خشنود گردم و چون خشنود گردم برکت دهم و برکت من بی پایان است.»^۳

^۱ می زان الحکمة، ج ۵، ح ۷۱۵۰

^۲ سوره اعراف، ۹۶

^۳ می زان الحکمة، ج ۱، ح ۱۷۰۰

می یابد.^۱

آنچه از موارد استعمال رزق به دست می آید؛ این است که در معنای این کلمه نوعی بخشش و عطا هم خوابیده است. این معنای اصلی و لغوی کلمه بود، ولی بعدها در معنای آن توسعه دادند و هر غذایی را که به آدمی می رسد، چه دهنده اش معلوم باشد و چه نباشد رزق خواندند، گویا رزق بخششی است که به اندازه تلاش و کوشش انسان به او می رسد، هر چند که عطا کننده آن معلوم نباشد. سپس توسعه دیگری در معنای آن داده و آن را شامل هر سودی که به انسان برسد نموده اند، هر چند که غذا نباشد، و به این اعتبار، همه مزایای زندگی اعم از مال، مقام، فامیل، یاوران، زیبایی، علم و... را رزق خواندند.^۲

در قرآن کریم هم به این اعتبار آیاتی وارد شده است؛ مانند: «و مگر از ایشان مزد می خواهی مزد پروردگارت بهتر است و او بهترین رازقین است.»^۳

خدا هم روزی رسان است هم روزی نرسان!

خدا هم روزی رسان است هم روزی نرسان. هم زیادی روزی از اوست هم کمی روزی. لذا اگر کسی پنداشته که خدا به همه روزی زیاد می دهد، اشتباه از خود اوست که چنین اعتقاد نادرستی پیدا کرده است؛ خدای متعال هیچ گاه در قرآنش نگفته که ما به همه روزی زیاد می دهیم؛ بلکه بر عکس فرموده است: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ: خدا روزی را برای هر کس بخواهد وسیع، و برای هر کس بخواهد تنگ قرار می دهد؛ ولی آن ها (کافران) به زندگی دنیا، خوشحال شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است.» و باز فرمود: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست.» و باز فرمود: «قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ بگو: پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسیع یا تنگ می کند (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

¹ سید محمد حسینی، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۷۶

² محمد حسینی، طباطبائی، المیزان، ج ۳، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ۱۳۶۳

به برخی زیاد و به برخی کم می دهد

خلاصه آنکه اگر کسی عقیده دارد که خدا روزی دهنده است به این معنی که به همگان روزی زیاد می دهد، عقیده اش نادرست است. خود خدای متعال، تصریح نموده که به برخی ها زیاد می دهد و به برخی ها کم می دهد. البته نه کم دادنش لزوماً از روی غضب است نه زیاد دادنش لزوماً از روی رحمت؛ بلکه گاه کم دادن از سر رحمت است و گاه زیاد دادن؛ کما اینکه کم دادن و زیاد دادن، گاهی هم از روی غضب است.

منظور از «مَنْ يَشَاءُ» به هر کس بخواهد می دهد چیست؟

1. بدیهی است که منظور از «مَنْ يَشَاءُ» (هر کس را که بخواهد) این نیست که خداوند بدون هیچ علتی روزی بدون حساب را به این و آن می دهد، بلکه اراده و مشیت خداوند در همه جا با شایستگی های افراد آمیخته است؛ یعنی هر کس را شایسته ببیند به او روزی بی حساب می دهد. به بیان دیگر، خواست و اراده او از روی گزاف نیست، بلکه آنچه انجام می دهد از روی حکمت و عدالت است.

هر گاه مشیتش اقتضا نماید و هر کس را بخواهد، -البته از روی حکمت و نظام خلقت و آفرینش می بخشد، نه از روی گزاف؛ زیرا که حق تعالی از کار عبث منزّه و مبرا است و نیز نسبت او به تمام موجودات یکسان است - او را به غیر حساب روزی می دهد.

2. البته برخی می گویند؛ منظور از «هر کس را بخواهد به غیر حساب روزی می دهد، اهل بهشت اند؛ زیرا خداوند بهشتیان را آن قدر روزی می دهد که به حساب نمی آید و حد و مرز ندارد؛ به دلیل آن که بهشت محدود و متناهی نیست و نهایت ندارد و آیه به این معنا مثل آیه شریفه است که می فرماید: «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» «آنها به بهشت در آیند و بی حساب روزی داده شوند»

روزی بدون حساب دادن یعنی چه؟

پیرامون معنای «بدون حساب» دیدگاه های متفاوتی وجود دارد که به آن اشاره می شود:

1. توصیف رزق به صفت بی حسابی، از این رو است که رزق از ناحیه خدای تعالی بر طبق حال مرزوق صورت می گیرد، نه عوضی در آن است و مرزوق نه طلبی از خدا دارد، و نه استحقاقی نسبت به رزق، آنچه مرزوقین دارند حاجت ذاتی، یا زبانی ایشان است که هم ذاتشان ملک خدا است، و هم حاجت

ذاتشان، و هم احتیاجاتی که به زبان درخواست می کنند، پس داده خدا در مقابل چیزی از بندگان قرار نمی گیرد، و به همین جهت حسابی در رزق او نیست.^۱

2. هر کس را بخواهد بی حساب روزی می دهد؛ یعنی بدون بخل و سخت گیری روزی می دهد. این آیه مانند این مثال است که فلان کس بی حساب انفاق می کند؛ یعنی خیلی سخاوتمندانه و خالی از بخل؛ زیرا عادت بخیل و سخت گیر از خرج، این است که در خرج و انفاق خیلی حسابگر و دقیق است.^۲

3. گفته اند که معنای آیه این است که بدون ترس از کمبود و نقصان دارایی خود را می بخشد و روزی می دهد؛ چون قدرت و ملک خدا حد و نهایت ندارد و آنچه از آن برداشته شود موجب نقصان آن نمی گردد.^۳

4. برخی نیز گفته اند؛ یعنی نباید به کسی حساب پس دهد؛ زیرا بالاتر از وی احدی نیست. تا او را مورد حسابرسی قرار دهد.^۴

نتیجه گیری:

در این دنیای وانفسای امروزی که روز به روز انسان رو به صنعتی شدن و همین طور رو به گناه و تباهی و بی دینی می روند و شاهد این هستیم که اکثرا از بی برکتی مال و درآمد خود رنج می برند

بهتر به خدا توکل کنیم و افزایش رزق و روزی مان را فقط از خدا بخواهیم و همانطور که اشاره شد بهتر است هرکس خودش به کار و تجارت بپردازد و به خدا تکیه کند نه اینکه بخواهد برای دیگران در قبال دریافت مزد کار کند زیرا تنها خدا مسبب الاسباب است و همان حقوقی که فرد می گیرد نیز روزی او از جانب خداوند است

¹ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۱

² الطبرسی ابوعلی فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، نشر فراهانی، بی جا، ۵۹، ص ۷۲۸

^۳ الطبرسی ابوعلی فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، نشر فراهانی، بی جا، ۵۹، ص ۷۲۸

⁴ ابو عبدالله محمد بن عمر، فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۱۹۱

منابع :

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. الطبرانی سلیمان ابن احمد، المعجم الاوسط، ج ۷، دار الحرمین، بی جا، بی تا
۲. الطبرسی ابوعلی فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، نشر فراهانی، بی جا
۳. محمد ابن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، نشر علمیه اسلامیة، تهران
۴. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۳، چهارم، نشر احمد جام، بی جا، ۹۱
۵. تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم، ج ۳، اول، نشر دفتر تبلیغات، قم، ۶۹
۶. تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم، ج ۴، اول، نشر دفتر تبلیغات، قم، ۶۹
۷. حلی، ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۱، مکتبه الفقیه، بیروت، بی تا
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۳، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ۱۳۶۳
۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۷، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ۱۳۶۳
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۸، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ۱۳۶۳
۱۱. حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، ج ۶، نشر دار الاحیاء، تهران، ۱۲۷۱ ق
۱۲. فخر رازی، محمد، مفاتیح الغیب، ج ۸
۱۳. قزوینی رازی، احمد، مقایس اللغه، ج ۱، نشر دار الفکر، بی جا، ۱۳۹۹ ق

١٤. كليني، محمد، الكافي، ج٢، نشر دار التعاريف، بيروت، ٦٩

١٥. كليني، محمد، الكافي، ج٥، نشر دار التعاريف، بيروت، ٦٩

١٦. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، ج٢، دار الاحياء، بيروت، ١٤٤٠ ق

١٧. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمه، ج١، نشر دار الحديث، بيجا، ٨٤

١٨. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمه، ج٣، نشر دار الحديث، بيجا، ٨٤

١٩. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمه، ج٥، نشر دار الحديث، بيجا، ٨٤